

عبر ولا بهين نكح الكرم ولا مغر من اذلت ولا منزل
من اعزته ولا ناصر من خذلت ولا خاذل من نصرت
ولا موعظي لما منعته ولا مانع فلا تعطيت ولا ارفق
من خربت ولا حارم من رزقت ولا ارفع من خففت
ولا خافض من سمعت ولا حاكم من سرت ولا سائر
من خربت ولا مغر من باعدت ولا مباعد من قد
يلصق الملوك ويتن ديا محيب المضطرب الكشف همي
وعشي وكني فقد ترمي حالي وحال اصحابي بس
جبريل آمد وگفت که پروردگار تو دعای ترا شنیده و ترا و اصحاب
از قبول دشمنی نجات بخشید پس آنحضرت بزرگوار نشست و دستها
را افراخ کرد و چشمها را بایان انداخت و گفت شکر الما حمینی و حمیت
اصحابی و ابوالنعمان از طریق نبی فعی می آرد که دعای آنحضرت روزی جزا
این بود شهد الله لا اله الا الله هو الملائكة واولوا العلم قايما
بما لقسطه لا اله الا هو العزيز الحكيم انا اشهد بما شهد الله
و استودع هذه الشهادة وهي وديعة عند الله يؤدبها اليوم القميلة

اللهم اني اعوذ بنورك قدسك وعظمتك طهارتك وبركتك جلالتك
من كل علة افلح وعاقبة ومن طوارق الليلة والنهار وظلم
الجن والانس المظلمة يطرق بخير اللهم انت غياثي
فيك اغوث وانت ملاذي فيك المود وانت عباذي
فيك اعوذ اعوذ بحلال وجهك وكبر حلالك من غيرك
وكنتف سترك ونسيان ذكرك وبانصاف عن شكرك
انا في حزنك وكنتفك وكلابك في ليلي ونهاريا ونوميا
وقراري وطعني واسقامي وحياطي ومهاتي ذكرك شعاري
وتناؤك دنائي لا اله الا انت سبحانك وبحمدك تنزيها
لسماك وعظمتك وتكريمك لجات وجهك احرمي من
حزبك ومن شر عبادك واضرب علي سراقات حفظك
وقني سيئات عدايك وحل علي وعلي منك بخير
يا ارحم الراحمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
الكريم والصلاة على النبي المصطفى محمد وآله وصحبه وسلم
اوردته آنذاك شافعي ابن دعا واور وقت محبتي كما اوردت ارباب

بارك الله

بنا و نه رسید رسیده بود خواند و از سر و آفت که از این عمل توقع نمودیم
بود نجات یافت و از سعد بن معاذ روایت کرده اند که آنحضرت
در مسجد فتح مینا جادوگر که در بخت این مسجد تازیانه باز کرده است
اول مسجد که قریب است از جانب قبله او را **مسجد سلمان فارسی**
گویند و آنرا که از عقب این مسجد است **مسجد علی مرتضی** نامند و آنرا که
در اصل جبل است در جانب قبله و صغیر مسجد **ابو بکر صدیق** خوانند و چه
نسبت این مساجد باین خطرات روشن نشده است و ظاهر چنان میباشد
و الله اعلم که همه در روز اضراب منازل بنیان و درین مواضع بوده
باشند و منور بنیاد صلی الله علیه و سلم منازل بنیان آمده نماز کرده
باشند و اصل این مساجد از عمر بن عبد العزیز بود چون بنا بطول
از زمان مورو را میم وین و انهدام پذیرفت سیف الدین حسین
این انظار الهی که کمی از وزر را میباید بین بود مسجد را علی را کردند
حسن و سچین و غمناک و دو مسجد دیگر را که در پایان آورند کردند
جمع و سچین غمناک تجدید نمود و بعد از بنای وی مسجدی که منسوب
بعالی مرتضی علیه السلام ذکر کرد و الله و چه وی با نهدام آورده بود و امیر

که او را رنج الدین بنجم مصوری میگفتند درسته است و چین و شمشیر
طیبه تجدد نمود و لیکن آنچه دیگر که منسوب بابا بکر صدیق بود هیچ یکی
از اینها ندید و چه بدید آنجا که تمام نمود و وی همچنان خراب
انقاد بود و درسته است و آنجا که بعضی مروج بنی آن توفیق یافتند
و در اول طریق مساجد فتح در رجب جبل سلع برپای مسالک چون
از مدینه رود **مسجد نبی حرام است** و در بعضی روایات آمده است
که اشهر و صلی الله علیه و سلم در اینجا تکیه آورده نماز گذارده و عمر
بن عبدالعزیز تجدد آن نموده و بر بنی این زیارت کرده تا سقف
و سطوانات و الا ان محاطیت و پس و قریب این شعب
غار است در شرف حضور و اینها مشرف بنده است در انام خندق
در بوفیر احیان اینجا بیتوته میفرمود صلی الله علیه و سلم طبرانی
از ابو قتاده روایت می آرد که روزی معاذ بن جبل در طاعت حضرت
بر آمد چون در حرات منیفه امهات امومنین رضیه الله عنهما حضرت را این
روی بگویند که مردی را در آن مقام بود آورد و او را بجانب جبل لایق
که نظر بلیاق حدیث جان ظاهر شود که آن نام جبل سلکوت ایشان دارند

بکین جبل

چون بجبل ثواب برآمد و نظر بر زمین و شمال آن بر چنانست و غاری
که درین کوه است دید که سرور انبیا در سجده است معاوی بن یزید
ان مقام و حصول سجده حضرت سید انام علیه السلام و انقضای صلوات از جبل
و در آمد و باز رفت و در حضرت هنوز در سجده بود و طحان بر دکه مکر روح پاک
سرور انعام قدس بر دهنش از سجده برداشت و گفت جبرئیل امین آمد و گفت
حق سبحانه که بر تو مسلم بخواند و می پرسد که هیچ مردانی که بابت توجیه معامله
خودت می گویند که الله اعلم تو دانا تری و میزدی در آن بعد از آن آمد و گفت
چیز در کار تو مفید ماید که تو خاطر خود خوش دار بابت تو هرگز آن نکنم
که ترزا خوشش آید و موجب لذت خاطر تو گردد پس سجده نهادم و شکرانه
این نعمت عظمی را ای معاوی فاضلترین حالاتی که بنده را به موسی
نزدیک گرداند سجده است **سجده الصلواتین** در جانب غربی
و در جانب شرقی است بمسافت نصف با فاصله نزدیک بود ای عقیق
و میرز و میرزا محمد بن جنس روایت کرده اند که ام بشر زنی بود
و زنی سلمه سرور انبیا صلی الله علیه و سلم بدریافت وی در اینجا
تشریف برده بود و وی طعامی برای حضرت مهیا کرده و هم در آنجا